**علیه سرکوب و برای مقاومت**

*Crushing Flowers Cannot Delay Spring*

*قَتل الزُهور لَن يُؤخِّر الربيع*

*کشتن گل‌ها، آمدن بهار را به تاخیر نمی‌اندازد*

جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز با قهر و خشونت زاده شد: سرکوب مبارزات زنان و گروه‌های به حاشیه‌رانده شده جنسی و جنسیتی، به ویژه از اسفند ۵۷ علیه حجاب اجباری، که حقانیت تاریخی‌اش با جنبش «دختران خیابان انقلاب» و قیام ژینا هویدا گشت؛ اعلام جهاد علیه اقلیت‌های ملیِ غیرفارس و سرکوب خونین جنبش‌های حق تعیین سرنوشت و اقلیت‌های مذهبی و بی‌دینان؛ اعمال ستم و سرکوب طبقاتی علیه فرودستان که با انحلال شورا‌های مستقل کارگری و محلات رقم خورد. پایه‌های نظام اما با حذف و‌ کشتار مخالفان در دهه‌ی تاریک شصت - در سایه‌ی جنگ - و نهایتا با اعدام چند هزار زندانی انقلابی و آزادی‌خواه در تابستان ۶۷ تثبیت گشت. چنین شد که ضدانقلاب اسلامی بر انقلاب مترقی ۵۷ مسلط گردید. از آن زمان، تداوم حیات جمهوری اسلامی در گروی بسط مستمر قوای سرکوب فیزیکی و ایدئولوژیک بوده است. ولی امروز، احضار خدای کشتار سال‌های ۶۰ و سرکوب خونین آزادی‌خواهان، نه برای تثبیت ضدانقلاب، بلکه از جنس تقلای پیش از مرگ است. جنبش «زن، زندگی، آزادی» نشان داده که نه‌فقط این رژیم در اذهان مردمان این جغرافیا مرده، بلکه یگانه ضامن بقای رژیم، یعنی سازوکار ارعاب نیز از کار افتاده است. نسرین قادری، دانشجوی کردی که در تهران با گلوله‌ی جنگی به شهادت رسید، در آخرین پست اینترنتی‌اش نوشته بود: «ما را از مرگ نترسانید، ما مرگ را زیسته‌ایم!» جنبش «ژن، ژیان، ئازدی» مبارزه علیه دشمنان زندگی را در امتداد خود زندگی قرار داده، همچنان‌که در شعار «شه‌هید نامرێ» پیداست.

قیام ژینا با زن‌کشی دولتی ژینا (مهسا) امینی شعله‌ور شد. طی این ۴ ماه، ستمدیدگان در خانه و خیابان، در مدرسه و دانشگاه و کارخانه، و در هر مکان و فرصتی، دربرابر تهدید و ارعاب و گلوله‌ و ساچمه ایستادند و با شجاعتی کم‌نظیر دستگاه سرکوب را عاجز ساختند. با امنیتی‌ساختن بیمارستان‌ها و تغییر کارکرد آمبولانس‌‌ به ادوات سرکوب، پزشکان و جوانان محلات با تهیه‌ی دارو و ایجاد شبکه‌های مخفی از زخمی‌ها مراقبت کردند. زندانیان نیز همچنان در زندان‌ها مقاومت می‌کنند؛ به‌رغم صدور احکام بی‌پایه در دادگاه‌های نمایشی بدون دسترسی به وکلای مستقل، به‌رغم ضرب‌‌وشتم و شکنجه‌های فیزیکی و روحی برای اعتراف اجباری، به‌رغم تجاوز و آزار جنسی، و به‌رغم سرکوب‌های جمعی مضاعف در زندان‌ها. جمهوری کشتار از وضعیت شکننده‌ی بی‌نام‌ونشان‌ها و به حاشیه رانده‌شده‌گان برای تشدید ارعاب بهره می‌گیرد و در این راستا حتی خانواده‌های کشته‌شدگان و زندانیان را گروگان‌ می‌گیرد.

از آغاز قیام ژینا تاکنون، بیش از ۱۸ هزار فعال و معترض دستگیر شده‌اند؛ هزاران نفر زخمی شده‌اند؛ بیش از ۵۰۰ نفر به ضرب گلوله یا زیر شکنجه به شهادت رسیدند؛ و ۴۴ نفر با اتهاماتی چون محاربه و فساد فی‌الارض در معرض اعدام قرار دارند. گزارش‌های ارسالی از زندان‌ها بسیار هولناک و نگران‌کننده‌اند. درعین حال سرکوب و ستم هرگز به شکل همسان بر روی بدن‌ها توزیع نمی‌شوند. محسن شکاری کارگر یک کافه بود که به‌بهانه‌ی آتش‌زدن یک سطل آشغال، ولی درواقع به‌دلیل دفاع مشروع از معترضان بی‌دفاع در برابر خشونت عریان سرکوب‌گران، به محاربه محکوم و اعدام‌ گردید. کودک‌کشی ستاره تاجیک، کودک افغانستانی، و کیان پیرفلک در ایذه، جمعۀ خونین بلوچستان و میلیتایزه‌ساختن کوردستان، درکنار روایت‌های هولناک از تجاوز و خشونت جنسی، همگی بر این ناهمسانی گواهی می‌دهند.

با این همه، خیزش «زن زندگی آزادی» همچنان زنده و نیازمند همبستگی ست. تحقق دادخواهی و تداوم این خیزش در گرو حمایت فعالانه‌ی انترناسیونالیستی همه‌ی آزادی‌خواهان است. سکوت ستمدیدگان جهان نسبت به حمایت‌های مستقیم و غیر‌مستقیم دولت‌های غربی و شرقی از جمهوری اسلامی مصونیت رژیم را بالا می‌برد و سرکوب‌ها را تسهیل میکند. همچنین محکومیت هرشکلی از مداخلۀ خارجی، اعم از نظامی یا اقتصادی، که استقلال و خودآئینی خیزش جاری را زیر سؤال برد، نیازمند همراهی جمعی ست. در 21 ژانویه ۲۰۲۳ به خیابان‌ها می‌آییم تا اعدام، سرکوب، استبداد و خفقان را محکوم‌ کنیم و همبستگی خود را با مقاومت زخمی‌ها و زندانیان و خانواده‌هاشان، و با محکومین به اعدام و مادران دادخواه اعلام کنیم.

برلین (بلندگو)

برمن (کلکتیو سوسیالیسم از پایین)

بروکسل (کلکتیو زن، زندگی، آزادی)

پاریس (گروه روژا)

پاریس (feminists4Jina)

فرانکفورت (بلوك انترناسيوناليستي)

گوتینگن (کلکتیو بدون نام)

منچستر (کلکتیو ریشه های سرخ)